

شخصیت قرآنی امام صادق (ع)

میدنا ششمی*

فرشته زاده عطار**

چکیده:

از آنجایی که رسول اکرم (ص) در حدیث ثقلین و دیگر بیانات خود، همواره قرآن و عترت را دو اصل جدا نشدنی معرفی کرده اند پس لازم است که اهل بیت (ع) الگویی همسنگ با قرآن باشند، از این رو امام صادق (ع) نمونه کاملی از یک انسان متری به تربیت قرآنی هستند. هنگامی که شخصیت حضرت را در پرتو آیات قرآن مورد بررسی قرار دهیم در خواهیم یافت که ایشان همان قرآن ناطقی هستند که در روایات بدان اشاره رفته است. ایشان نه تنها در اخلاق بلکه در علم، عبادت، سیاست و سایر زمینه ها سرآمد روزگار خویش بوده و بر اساس این ابعاد به تربیت اصحاب و یاران خود پرداخته اند. در این مقاله سعی بر آن است تا به بررسی بخشی اندک از شخصیت قرآنی امام صادق (ع) پردازیم.

کلید واژه ها: امام صادق (ع)، شخصیت قرآنی، اخلاق، علم، عبادت.

مقدمه

بنابر روایات ثقلین که متواتر بین شیعه و سنی است، اهل بیت (ع) و قرآن جدا نشدنی هستند. به بیان دیگر ایشان اسلام مجسم و قرآن ناطق اند. بنابراین هنگامی که می خواهیم

*استاد دانشگاه شهید چمران اهواز.

**دانشجوی کارشناسی ارشد - دانشگاه شهید چمران اهواز.

الگویی کاملاً منطبق با قرآن برای خود برگزینیم فقط کافیت به سیره یکی از ائمه اطهار مراجعه کنیم و هنگامی که مناقب و فضائل اخلاقی آنان را در کنار قرآن و با آیات آن مقایسه کنیم به این مهم پی خواهیم برد. در این میان، امام صادق (ع) نیز فضایل اخلاقی مسلمانان را از راه علم و دانش به کمال مطلوب رسانده بودند. آن حضرت در طول ۶۵ سال زندگی خود، چنان دوست و دشمن را شیفته مکارم نفسانی و فضایل اخلاقی خود کرده بودند که حتی علمای سنی، در فضایل آن حضرت سخن رانده اند. فضیلت امام صادق (ع) نه تنها در علم بلکه در صبر و شکیبایی، تواضع و فروتنی، عفو و گذشت و... نیز بود.

در این مقاله سعی بر این است تا به بررسی شخصیت قرآنی امام صادق (ع) پردازیم. زمانی که به کتب سیره و زندگی ایشان مراجعه کنیم با چنان وسعت اطلاعاتی مواجه خواهیم شد که در صورت عدم دسته بندی و تفکیک صحیح آنها، نمی توانیم به شناخت کاملی از آن حضرت دست یابیم. بنابراین برای این که بتوانیم شخصیت قرآنی ایشان را به خوبی شناسایی کنیم لازم است که زندگی حضرت را از چند بعد مورد بررسی قرار دهیم. از این رو پس از ذکر زندگی نامه امام صادق (ع)، به بررسی ابعاد شخصیتی ایشان خواهیم پرداخت.

زندگی نامه

امام صادق (ع) روز هفدهم ماه ربیع الأول سال هشتاد و سه هجری در مدینه متولد شد و در نیمه ماه رجب و یا شوال سال یک صد و چهل و هشت در سن شصت و شش سالگی از دنیا رحلت فرمودند. حضرت صادق (ع) مدت دوازده سال در زمان حیات جدش زندگی کرد و نوزده سال هم با پدرش بود و مدت سی و چهار سال هم بعد از رحلت پدر بزرگوارش امامت کردند. امامت ایشان مصادف با ایام خلافت هشام بن عبد الملک و ولید بن یزید بن عبد الملک و یزید بن ولید بن عبد الملک معروف به ناقص و ابراهیم بن ولید و مروان بن محمد حمار بود. پس از این پیراهن سیاهان با پرچم سیاه از خراسان قیام کردند و خلافت از بنی امیه گرفته شد و به دست عباسیان افتاد، حضرت صادق (ع) زمان این گروه را هم درک کرد و در دوران خلافت أبو جعفر منصور در مدینه وفات کرد و در کنار قبر پدر و عمویش حضرت امام حسن (ع) به خاک سپرده شد.^۱

این بابویه و قطب راوندی روایت کرده اند که از امام زین العابدین (ع) پرسیدند: امام بعد از تو کیست؟ فرمودند: «محمد باقر (ع) که علم را می شکافد». پرسیدند: بعد از او امام که خواهد بود؟ فرمودند: «جعفر (ع) که نام او نزد اهل آسمان ها صادق است». گفتند: چرا

او را صادق می نامند و حال آن که همه شما صادق و راستگویید؟ فرمودند: «خبر داد مرا پدرم از پدرش رسول خدا (ص) که آن حضرت فرمود: «چون فرزند من جعفر بن محمد بن علی بن الحسین (ع) متولد شود او را صادق نامید؛ زیرا که پنجمین فرزند او جعفر نام خواهد داشت و به دروغ و از روی افترا، دعوی امامت خواهد کرد و او نزد خدا، جعفر کذاب؛ یعنی: افترا کننده بر خداست».^۲

ابعاد شخصیتی امام جعفر صادق (ع)

فضایل و مناقب امام صادق (ع) بر کسی پوشیده نیست. ایشان در تمامی عصرها همواره نه تنها معلم شیعیان بلکه تمامی افراد بوده اند. شخصیت ایشان به گونه ای بود که افراد می توانستند در زمینه های مختلف از آن بهره ببرند. در واقع شخصیت حضرت در ابعاد و زوایای متعددی قابل طرح می باشد که برای نمونه به برخی از ابعاد شخصیتی ایشان اشاره می کنیم:

الف: بعد اخلاقی: مکارم اخلاقی، سجایای عالی اخلاقی هستند که صفت انسان می شوند و این مکارم جزء لاینجزای زندگی او می شوند و همیشه و در هر عملی بروز و ظهور دارند. او با آن مکارم زندگی می کند و با آنها نیز می میرد. عالی ترین مکارم اخلاقی را پیامبر اکرم (ص) ابلاغ فرموده و ایشان با بعثت خود تمام کننده انواع مکارم بوده اند.^۳ از آنجا که دین و اخلاق دو حقیقتی هستند که در دیانت اسلام و سایر ادیان از هم جدایی ندارند، اسلام منطق خود را در مسائل اخلاقی گسترش داده است.^۴

خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (القلم، ۶۸/۴)؛ «و تو راست خلقی عظیم». پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می فرماید: «علیکم بمکارم الاخلاق فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بَعَثَنِي بِهَا؛ بر شماست مکارم اخلاق، به راستی که خداوند عزوجل مرا با آنها مبعوث کرده».^۵

بعد از رحلت رسول اکرم (ص) ائمه معصومین (ع) عهده دار این مسئولیت خطیر شدند. سخنان و توصیه های اخلاقی و تربیتی امام صادق (ع) موجب سازندگی فرهنگ عمومی اجتماع بود. در توصیف شیعه و لزوم برخورداری آنان از فضایل و مکارم اخلاقی شیعه روایات متعددی از امام صادق (ع) به ما رسیده است که توصیه ایشان به عبدالله بن جنذب در این شمار است.^۶

اینک به برخی ابعاد مهم اخلاقی این امام بزرگوار می پردازیم:

۱. عفو و گذشت: یکی از بزرگترین فضایل اخلاقی که رسیدن به آن کار آسانی نیست، روح گذشت از دیگران و نادیده گرفتن خطاهای آنان است. ادامه حیات اجتماعی مبتنی بر عفو و گذشت است. اگر همه مردم بخواهند در استیفای حقوق خویش سختگیر باشند و از کوچکترین لغزشی چشم پوشی نکنند زندگی بسیار تلخ خواهد شد و روح صفا و صمیمیت به کلی از جامعه رخت بر خواهد بست. خداوند در قرآن می فرماید: «خُذْ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (الأعراف، ۷/۱۹۹)؛ «عفو و گذشت را شیوه خود قرارده و به نیکی ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان».

امام صادق (ع) نیز مانند اجدادشان اسوه تقوا و اخلاق و از خاندانی است که شیوه و روش آنان عفو و گذشت می باشد. اگر از کسی خطایی سر می زد یا به ایشان بدی می کرد با کمال رأفت و مهربانی از خطای او می گذشت و اشتباه او را نادیده می گرفت. ۷. مردی خدمت امام صادق (ع) رسید و عرض کرد: فلان پسر عمویت اسم تو را برد و تا آنجایی که توانست بدگویی کرد و به شما ناسزا گفت. حضرت به کنیز خود فرمود که آب وضو برایش حاضر کند. پس وضو گرفت و داخل نماز شد. راوی گفت: من با خودم گفتم که حضرت می خواهد او را نفرین کند. حضرت دو رکعت نماز خواندند و فرمودند: «ای پروردگار من، این حق من بود، من او را بخشیدم و جود و کرم تو از من بیشتر است پس او را ببخش».^۸

۲. کار و تلاش: دین مقدس اسلام به کسب و کار ارج می نهد و پیروان خود را به کار و فعالیت امر می کند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (الجمعة، ۶۲/۱۰)؛ «و چون نماز پایان یافت، در زمین پراکنده شوید و رزق خدا را طلب کنید».

امام صادق (ع) نیز نه تنها دیگران را به کار و تلاش دعوت می کردند بلکه خود نیز در روزهای گرم تابستان در مزرعه مشغول به کار بودند.

از ابی عمرو شیبانی روایت است که می گوید: امام صادق (ع) را دیدم که در مزرعه خویش مشغول بیل زدن است و عرق زیادی کرده است آن چنان که پیراهن آن حضرت خیس شده با دیدن این منظره به ایشان گفتم: اگر اجازه بدهید من این کار را انجام می دهم تا شما استراحت کنید. امام فرمود: «دوست دارم که مرد در طلب روزی خویش در برابر

آفتاب اذیت شود».^۹

۳. صبر و شکیبایی: یکی از موضوعاتی که در دین اسلام همواره دارای اهمیت فراوانی بوده، صبر و شکیبایی می باشد. حقیقت صبر همان استقامت و تحمل رنج برای دست یافتن به هدف است. واژه صبر و مشتقات آن در قرآن حدوداً ۱۰۳ بار در ۴۵ سوره و ۹۳ آیه آمده است و روایات بسیاری هم درباره آن وارد شده است.

صبر و شکیبایی معنای گسترده ای دارد که تحمل در برابر رنج و مشقت و اطاعت پروردگار و مبارزه با هوس های سرکش و ایستادگی در مقابل عوامل گناهان را دربر می گیرد.^{۱۰}

راغب در معنای صبر چنین گفته است: صبر یعنی: شکیبایی و خودداری نفس بر آنچه را که عقل و شرع حکم می کند و آن را می طلبد یا آنچه را که عقل و شرع، خودداری نفس از آن را اقتضاء می کند.^{۱۱}

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (البقرة، ۲/۱۵۳)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، از شکیبایی و نماز مدد جویید که خدا با شکیبایان است».

پیشوایان ما نیز اسوه صبر و استقامت بودند و در تمام مصائب و حوادث تلخ زندگی همچون کوه استوار ایستاده و حتی یک بار از خود بی صبری و آثار شکست نشان ندادند. کلینی از قتیبة أعشی نقل کرده که: خدمت امام صادق (ع) رسیدم تا از فرزند او عیادت کنم. دیدم امام بر در ایستاده و غمین و اندوهناک است. عرض کردم: فدایت شوم حال کودک چطور است؟ فرمود: «می بینی که سخت بیمار است». پس ساعتی درنگ کرد سپس به سوی ما بیرون آمد در حالی که چهره اش شاد بود و آثار غم و اندوه از آن رفته بود. گمان کردم که حال کودک بهبود یافته است گفتم: فدایت شوم حال کودک چطور است؟ فرمود: «او به راه خدا رفت». گفتم: فدایت شوم هنگامی که کودک زنده بود شما ناراحت و اندوهگین بودید اما اکنون که بمرد حالت شما دگرگون شد، چرا؟! فرمود: «ما اهل بیت (ع) پیش از رسیدن مصیبت غمین و اندوهناکیم اما هنگامی که مصیبت واقع می شود به قضای الهی خوشنود می گردیم و تسلیم امر خدا می شویم».^{۱۲}

ب: بعد علمی: در باب عظمت علمی امام صادق (ع) شواهد فراوانی وجود دارد و این معنا مورد قبول دانشمندان شیعه و اهل سنت می باشد. امام (ع) در طول ۳۴ سال امامت

طولانی خود ابواب علم را بر روی شاگردان و دانشمندان اسلامی گشود و مرجع دینی و علمی شیعیان گردید. امام صادق (ع) با توجه به فرصت مناسب سیاسی که به وجود آمده بود و با ملاحظه نیاز شدید جامعه و آمادگی زمینه اجتماعی، دنباله نهضت علمی و فرهنگی پدرش امام محمد باقر (ع) را گرفت و حوزه وسیع علمی و دانشگاه بزرگی به وجود آورد و در رشته های مختلف علوم عقلی و نقلی آن روز، شاگردان بزرگ و برجسته ای همچون هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مفضل بن عمر، جابر بن حیان و... تربیت کرد که تعداد آنها را بالغ بر چهار هزار نفر نوشته اند. وی با قدرت هرچه تمام تر نهضت بزرگ علمی برپا کرد و میراث عظیم و سترگی را برای جهان اسلام و تشیع باقی نهاد. امام صادق (ع) در عصر خویش، نام آورترین فرد در مسائل علمی بود و آواز ایشان در سرتاسر ممالک اسلامی شنیده می شد؛ بدین سبب هیچ یک از امامان دیگر ما به تعداد شاگردان آن حضرت شاگرد نداشتند و به تعداد روایات ایشان روایت ندارند. چنان که فقها و دانشمندان بزرگ در برابر عظمت علمی امام صادق (ع) سر تعظیم فرود می آوردند و برتری علمی او را می ستودند. برای نمونه:

أبوحنیفه پیشوای مشهور فرقه حنفی، می گفت: من دانشمندتر از جعفر بن محمد ندیده ام. ۱۳

شیخ مفید می نویسد: به قدری علوم از آن حضرت نقل شده که زبانزد مردم گشته و آوازه آن همه جا پخش شده است و از هیچ یک از افراد خاندان اوبه اندازه او علم و دانش نقل نشده است. ۱۴

طبرسی می گوید: امام صادق (ع) در زمان خود اعلم فرزندان حضرت رسول (ص) بود، و در نزد خاصه و عامه مقام ارجمندی داشت. ۱۵

ابن شهر آشوب در «مناقب» گوید: دانش هایی که از صادق (ع) نقل شده از کسی دیگر نقل نشده است، و حدیث شناسان، محدثان توثیق شده ای از مذاهب مختلف که از وی حدیث نقل کرده اند و گردآوری کرده که تعدادشان را چهار هزار تن دانسته اند. ۱۶

۱. علم به قرآن: قرآن کتاب آسمانی و وحی الهی است که بر قلب مبارک رسول خدا (ص) نازل شده و تمام معانیش در ظرف وجودی پیامبر (ص) جای گرفته است. این کتاب آسمانی ظاهر و باطنی دارد و باطنش نیز دارای باطن های متعدد دیگری است که هیچ کس بر تمامی آنها آگاهی کامل ندارد، جز «راسخین در علم» که ائمه اطهار (ع) بعد از

رسول خدا (ص) می باشند. در این میان امام صادق (ع) نیز معدن علم به قرآن و مفسر قرآن می باشند. به گونه ای که با مراجعه به کتب تفسیری روایی، اکثریت قریب به اتفاق احادیث آن کتب متعلق به ایشان می باشند. برای نمونه:

امام صادق (ع) در تفسیر آیه ۷ سوره آل عمران و در تفسیر راسخون در علم می فرماید: «الراسخون فی العلم امیر المؤمنین و الأئمة من بعده علیهم السلام؛ راسخون در علم، حضرت علی (ع) و ائمه (ع) بعد از او می باشند». ۱۷

ایشان هم چنین در تفسیر «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (آل عمران، ۱۷/۳)، می فرمایند: «من قال فی وتره إذا أوتر «استغفر الله و أتوب الیه» سبعین مرة و هو قائم فواظب علی ذلک حتی تمضی له سنة کتبه الله من المستغفرین بالأسحار و وجبت له المغفرة من الله تعالی؛ هر کس در نماز وتر «استغفرالله و اتوب الیه» را هفتاد مرتبه بگوید در حالی که ایستاده است و تا یک سال این کار را ادامه دهد خداوند او را از مستغفرین بالاسحار قرار می دهد و مغفرت الهی براو واجب می شود». ۱۸

امام صادق می فرماید: «همانا نام و معنای ایمان سزاوار کسی است که واجبات بزرگ را انجام دهد آن هم به طور پیوسته و گناهان کبیره را انجام ندهد و از آن ها دوری کند. اگر کسی طاعت های کوچک را ترک کند و مرتکب گناه صغیره گردد از گستره ایمان خارج نمی شود زیرا خداوند در قرآن کریم می فرماید: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلِكُمْ مَدْخَلَ كَرِيمًا» (النساء، ۴ / ۳۱)؛ «اگر از گناهان بزرگی که شما را از آن نهی کرده اند اجتناب کنید، از دیگر گناهانتان در می گذریم و شما را به مکانی نیکو درمی آوریم». یعنی: آمرزش شامل گناهان کبیره نمی شود و اگر کسی مرتکب گناهان کبیره شد برای همه آنها کفر می بیند. این است حقیقت و صفت ایمان و صفت مؤمنی که سزاوار ثواب و پاداش است. ۱۹

امام صادق (ع) در تفسیر محکم و متشابه در آیه ۷ سوره ی آل عمران می فرماید: «إِنَّ الْقُرْآنَ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ، فَأَمَّا الْمُحْكَمُ فَتَوْمَنُ بِهِ وَ نَعْمَلُ بِهِ، وَ أَمَّا الْمُتَشَابِهُ فَتَوْمَنُ بِهِ وَ لَا نَعْمَلُ بِهِ؛ قرآن دارای محکم و متشابه است ما به محکم ایمان می آوریم و به آن عمل می کنیم ولی به متشابه ایمان می آوریم اما به آن عمل نمی کنیم». ۲۰

۲. علم به احکام فقهی: طبق عقیده امامیه، امام باید تمام احکام و قوانین دین را که برای سعادت دنیوی و اخروی مردم ضرورت دارد بداند؛ عقیده صحیح و باطل را بشناسد و به طور کلی به آنچه که برای ارشاد و هدایت انسان ها و اداره امور جامعه مورد نیاز

است، اطلاع کامل داشته باشد. دلیل بر این مطلب بسیار واضح است، چون امام و پیشوای دینی نمونه بارز انسان کامل است. لازمه این مطلب آن است که به تمام حقائق آشکار و پنهان آگاهی داشته باشد. ممکن نیست مردم در یکی از امور مربوط به دیات و قصاص و معاملات و غیره محتاج شوند، ولی امام از حل آن عاجز باشد و به کلید آن دسترسی نداشته باشد.

ایشان از آگاه ترین افراد نسبت به این احکام بوده و فقه آل محمد (ص) را تدوین نموده و بسیاری از ابواب فقه و احکام فقهی شیعه را بنیان نهاده است. از همین روی، فقه شیعه امامی را فقه جعفری گویند.

بیشترین احادیث نقل شده از آن حضرت در موضوع فقه است، به گونه ای که فقیهان هسته اصلی اصحاب خاص امام صادق (ع) را تشکیل می دهند. ایشان می فرمایند: «خدا دو علم دارد؛ علمی که به ملائکه و رسل تعلیم کرده، و علمی که جز او کسی نمی داند، آنچه را ملائکه و رسل بدانند ما نیز می دانیم و از علمی که مخصوص خدا است اگر چیزی خارج شود پیش ما خواهد آمد». ^{۲۱} بنابراین ایشان نسبت به احکام و قوانین الهی دارای علم و تسلط بسیاری بودند. متون فقهی گزارش شده از امام صادق (ع) بسیار فراوان است که برای نمونه به بیان چند حدیث اکتفا می کنیم:

اول: وجوب فسخ به خیار رؤیت: جمیل بن دراج گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم شخصی زمین کشتزاری را خریده است و خود بر سر آن زمین رفته و آن را دیده و بازگشته است ولی هنگامی که بهای آن را پرداخته و به سراغ زمین رفته و آن را بررسی کرده است نپسندیده و تقاضای فسخ از فروشنده کرده است در حالی که فروشنده حاضر نیست بیع را فسخ کند امام (ع) فرمود: «اگر همه آن زمین را زیر و رو کرده و نود و نه درصد آن را دیده و یک درصد باقیمانده که ندیده است خیار رؤیت دارد». ^{۲۲} یعنی: می تواند آن را باز پس دهد».

دوم: آن که شهادتش ردّ و آن که شهادتش پذیرفته شود: عبید الله حلبی گوید: از امام صادق (ع) سؤال کردم چه کسانی شهادتشان پذیرفته نیست؟ فرمود: «آن که گمان بد در باره او برده شود، و آن که در دینش متهم باشد، دیگر آن که در قبول شهادتش نفعی عائدش بشود، و شهادت آن که میان او و مدعی علیه؛ یعنی: متهم، دشمنی باشد». راوی گوید: سؤال کردم پس فاسق و خائن چه؟ حضرت فرمود: «این دو همان کسانی هستند که گمان بد در باره شان برده می شود، و در دینشان متهمند». ^{۲۳}

سوم: خمس به شش قسمت تقسیم می شود: زکریا بن مالک جعفری از امام صادق (ع) نقل می کند که از آن حضرت راجع به این سخن خداوند پرسیدم که می فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَيْنَ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ أَلْجَمْعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (الانفال، ۴۱/۸)؛ «و بدانید که آنچه به غنیمت به دست آوردید خمس آن برای خدا و پیامبر و خویشان پیامبر و یتیمان و مساکین و درماندگان در راه است»؟ فرمود: «اما خمسی که مخصوص خدا است به پیامبر می رسد که هر کجا خواست مصرف کند. و اما خمسی که مخصوص پیامبر است به خویشان او می رسد و خمس ذوی القربی هم مخصوص خویشان پیامبر است و منظور از یتیمان، یتیمان اهل بیت (ع) است، این چهار سهم مال آنهاست، و اما مساکین و درماندگان در راه، چون می دانی که ما صدقه نمی خوریم و بر ما حلال نیست آن برای مساکین و درماندگان در راه است». ۲۴

ج. بعد عبادی: خداوند در قرآن کریم هدف نهایی از آفرینش را عبودیت و بندگی؛ یعنی: همان عبادت پروردگار معرفی کرده اند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات، ۵۱/۵۶)؛ «من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند». از این رو عبادت پروردگار و همواره در یاد و ذکر خدا بودن و غفلت نوزیدن از خداوند متعال یکی از آموزه های مهم دین اسلام می باشد که این آموزه ها در سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) در دسترس می باشند. در بیان شخصیت عبادی امام صادق (ع)، همین بس که مالک بن انس می گوید: حضرت صادق از سه حال خارج نبود، یا روزه دار، یا ایستاده به عبادت و یا در حال ذکر و او از بزرگترین بندگان و زاهدین بزرگ، آنان که از پروردگارشان می ترسند بود. ۲۵ در واقع ایشان مصداق بارز این آیه قرآنی می باشند که می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَهُوَ يَسْجُدُونَ» (الاعراف، ۲۰۶/۷)؛ «آنها که - در مقام قرب - نزد پروردگار تواند هیچگاه از عبادتش تکبر نمی ورزند و او را تسبیح می گویند و برایش سجده می کنند».

برخی از نمونه های فضیلت عبادی ایشان عبارتند از:

۱. خشیت الهی: مالک بن انس می گوید: سالی با امام صادق (ع) به حج رفتم و چون موقع احرام بر مرکب نشست و می خواست تلبیه گوید گلوگیر می شد و نزدیک بود از مرکب خود بزیر افتد، گفتم یابن رسول الله بگو باید بگوئی، فرمود: «ای پسر ابی عامر چگونه

جرات کنم بگویم: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» می ترسم که خدای عز و جل فرماید: «لَا لَبَّيْكَ وَ لَا سَعْدِيكَ». ۲۶

۲. سجده های طولانی: حفص بن غیاث گفت: حضرت صادق (ع) بین نخلستان های کوفه راه می رفت به درخت خرمائی رسید وضو گرفته رکوع کرد، آنگاه سجده رفت شمردم پانصد مرتبه تسبیح گفت، سپس تکیه به درخت خرما داده دعاهائی کرد، آنگاه فرمود: حفص! به خدا قسم این همان درخت خرمائی است که خداوند به مریم فرمود شاخه خرما را تکان بده تا خرمای تازه برایت بریزد». ۲۷

۳. حضور قلب: نقل است که: امام صادق (ع) در حال نماز مشغول قرائت آیاتی از قرآن بود ناگاه منقلب شد و از حال رفت و چون به حال عادی بازگشت حاضران پرسیدند: این چه حالتی بود که در نماز به شما دست داد؟ امام فرمود: «هنگامی که مشغول تکرار آیات بودم به حالتی رسیدم که گویی آن آیات را از زبان خداوند متعال بر من می خواندند». ۲۸

۴. بعد سیاسی: امامان شیعه (ع) هادیان خلق به بهترین شیوه زندگی اند. بدیهی است برای ایفای این رسالت بزرگ باید تمام زمینه ها و شرایط مناسب باشد. از جمله مهم ترین آنها آشنایی با جلوه های «سیاست» است. نمی توان ادعای اداره همه شؤون زندگی را بدون آشنایی عمیق با تدبیر و سیاست داشت و امامان (ع) این آشنایی عمیق را در وجود خود دارند، از منظر اهل بیت (ع) سیاست عین دیانت است. گواه این مدعا سیره ائمه اطهار است. هر یک از آن ذوات مقدس در تدبیر امور جامعه و به دست گرفتن حکومت، در حدّ توان تلاش و کوشش نمودند. از این رو، کسانی که سیاست را جدای از دیانت می دانند، نمی توانند مدّعی پیروی از ایشان باشند. در این میان امام صادق (ع) به خوبی عهده دار تربیت سیاسی اصحاب خود بودند. اگر چه ایشان در ظاهر وارد سیاست نشده بودند اما در سیره و اعمال خود همان سیاست مدار مورد تأیید قرآن می باشند. از جمله اصول کلی سیاست امام صادق (ع) و مهم ترین آنها اصل طاغوت ستیزی می باشد.

اصل طاغوت ستیزی

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ» (الزمر، ۱۷/۳۹)؛ «کسانی که از عبادت طاغوت اجتناب کردند و به

سوی خداوند بازگشتند بشارت از آن آنها است، بنابراین بندگان مرا بشارت ده». طاغوت ستیزی در رأس برنامه‌های انبیا قرار داشته است و این اصلی بود که امامان در طول زندگی خویش از آن دست بردار نبودند. امام صادق(ع) نیز همواره به مبارزه با رژیم طاغوت آن زمان می‌پرداختند. از جمله شیوه‌های ایشان برای مبارزه با طاغوت عبارتند از:

اول: عدم همنشینی و همکاری با دستگاه طاغوت: امام صادق(ع) معمولاً از رفت و آمد به دربار منصور - جز در موارد خاص - سر باز می‌زد و به همین سبب هم از طرف منصور مورد اعتراض قرار می‌گرفت. چنان که روزی به آن حضرت گفت: چرا مانند دیگران به دیدار او نمی‌رود؟ امام در جواب فرمود: «لیس لنا ما نخافک من أجله و لا عندک من أمر الآخرة مانرجوک له ولا أنت فی نعمة فنهنيک و لا تراها نقمة فنعزيک بها، فما نضع عندک؟؛ ما کاری نکرده‌ایم که به جهت آن از تو بترسیم؛ و از امر آخرت پیش تو چیزی نیست که به آن امیدوار باشیم؛ و این مقام تو در واقع نعمتی نیست که آن را به تو تبریک بگوییم و تو آن را مصیبتی برای خود نمی‌دانی که تو را دل‌داری بدهیم، پس پیش تو چکار داریم؟». ۲۹ بدین گونه بود که امام(ع) نارضایتی خود را نسبت به حکومت او ابراز می‌داشت، چنان که با توصیه‌های سیاسی به افراد مانند: «ایاک و مجالسة المملوک؛ بر تو باد که از همنشینی پادشاهان دوری کنی». ۳۰ یاران خود را نیز از همنشینی سلاطین بر حذر می‌داشت.

دوم: تأیید و تقویت قیام‌های مخلصانه شیعی: دومین شیوه امامان در زمینه طاغوت ستیزی تأیید و تقویت قیام‌های مخلصانه شیعی که علیه طواغیت صورت می‌گرفت، می‌باشد. در روایتی چنین آمده است که: نزد امام صادق(ع) سخن از قیامگران شیعی شد. حضرت فرمود: «... لا أزال أنا و شيعتی بخير ما خرج الخارجي من آل محمد، و لوددت أن الخارجي من آل محمد خرج و علی نفقة عیاله؛ خیر من و شیعیانم پیوسته در سایه این قیام‌هاست و من دوست می‌دارم که قیام‌گران شیعی علوی قیام کنند و من مخارج خاندانشان را تأمین کنم». ۳۱ از جمله این قیام‌های مخلصانه قیام شهید زید بن علی بن الحسین(ع) بود. زید از معتقدان به امامت برادر خود امام باقر(ع) و برادر زاده خویش امام صادق(ع) بود او از مشاهده صحنه‌های ظلم و ستم و تاخت و تاز حکومت اموی فوق العاده ناراحت بود و عقیده داشت که باید با قیام مسلحانه، حکومت فاسد اموی را واژگون ساخت. از برکات این قیام‌های مخلصانه این بود که امامان فرصتی برای نشر معارف و گسترش فرهنگ اسلام ناب محمدی می‌یافتند که خود مبارزه‌ای عمیق و اساسی علیه

طاغوت بود. جبهه مسلحانه علیه طاغوت سبب می شد آنها مشغول شده و امامان بتوانند با فراغت ذهن، اسلام را تبیین کنند و ابعاد مختلف آن را بازگو نمایند.

سوم: عدم دوستی و محبت با دستگاه طاغوت: امام صادق (ع) فرموده اند: «من أحبّ بقاء الظالمین فقد أحبّ أن يعصی الله؛ هر کس بقای ستمگران را دوست داشته باشد در حقیقت دوست دارد که خداوند معصیت شود». ۳۲

چهارم: برخورد با فرقه های انحرافی: عصر امام صادق (ع) عصر برخورد اندیشه ها و پیدایش فرق و مذاهب مختلف بود. در زمان ایشان، بر اثر برخورد مسلمین با عقاید و آرای اهل کتاب و نیز دانشمندان یونان، شبهات و اشکالات گوناگونی پدید آمده بود. در آن زمان فرقه هایی همچون: معتزله، جبریه، مرجئه، غلات و امثال این ها پدید آمده بودند که هر کدام عقاید خود را ترویج می کردند. ۳۳ امام صادق (ع) با تمام جریان های فکری و عقیدتی آن روز برخورد کرده و موضع اسلام را در برابر آن ها روشن ساخته و برتری بینش اسلام را ثابت نمودند. ایشان در برخورد با این فرقه ها از شیوه های مختلفی چون: تأسیس مراکز علمی و تربیت افراد مستعد، تبیین و گسترش فقه، احیای حدیث، مبارزه با مسلک های انحرافی و گفتگو و مناظره استفاده می کردند.

نتیجه گیری:

در این مقاله سعی بر این بود که با توجه به آیات قرآنی به بررسی شخصیت قرآنی امام صادق (ع) پردازیم که با توجه به مطالب ذکر شده و نیز با مطالعه و بررسی دقیق سیره و زندگی امام صادق (ع) به این نتیجه می رسیم که ایشان نمونه کاملی از یک الگوی قرآنی هستند. رئیس مذهب شیعه مصداق واقعی قرآن ناطق می باشند. ایشان در زمان حیات خود در تمامی زمینه های شخصیتی از جمله: اخلاق، علم، دین، سیاست و... به تربیت قرآنی اصحاب و یاران خود پرداخته اند. بنابراین شخصیت آن حضرت شخصیتی منطبق با قرآن بوده و ایشان همان عترتی هستند که پیامبر اکرم (ص) در شأنشان گفته: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترتی ما إن تمسکتم بهما لن تضلوا أبدا». بنابراین با توجه به موارد زیر، شخصیت امام صادق (ع)، همان شخصیت قرآنی است:

۱. اخلاق در قرآن بسیار مورد تاکید خداوند بوده تا آنجایی که به رسول خود می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران، ۱۵۹/۳)؛ «به سبب رحمت خداست که تو با آنها این چنین خوشخوی و مهربان

هستی . اگر تندخو و سخت دل می بودی از گرد تو پراکنده می شدند» . بنابراین با توجه به موارد اخلاقی ذکر شده از امام صادق (ع) ، ایشان از نظر اخلاقی ، منطبق با قرآن می باشند .
 ۲ . علم آن حضرت نیز علمی قرآنی است . مواردی را که از قوانین الهی و احکام فقهی برای یاران خود بیان می کردند منطبق با همان مواردی بود که خداوند در قرآن کریم بیان کرده اند .

۳ . امام صادق (ع) در زمینه عبادی نیز بنده حقیقی خدا بودند . صفات عبادی ایشان از جمله حضور قلب و خشیت الهی ، از جمله صفاتی است که در آیات الهی به آنها اشاره رفته است .

۴ . سیاست ایشان نیز همان سیاست مورد نظر قرآن بود . ایشان طبق آیات قرآنی از همشینی با دستگاه طاغوت خودداری می کردند و به یاران خود نیز اجازه هم نشینی با آنها را نمی دادند .

-
- | | |
|------------------------------------|---|
| ۱۷ . نور الثقلین ، ۱/ ۳۱۷ . | ۱ . إعلام الوری «ترجمه عطاردی» / ۳۷۶ . |
| ۱۸ . همان / ۳۲۱ . | ۲ . منتهی الامال / ۷۷۱ . |
| ۱۹ . تحف العقول / ۵۹۳ . | ۳ . تربیت از دیدگاه معصومین (ع) / ۹ . |
| ۲۰ . نور الثقلین ، ۱/ ۵۹۹ . | ۴ . اسلام و تعلیم و تربیت / ۲۳۱ . |
| ۲۱ . بحار الأنوار ، ۲۶/ ۱۶۰ . | ۵ . بحار الأنوار ، ۶۶/ ۳۷۵ . |
| ۲۲ . من لا یحضره الفقیه ، ۳/ ۲۷۰ . | ۶ . تحف العقول / ۳۰۳-۳۰۴ . |
| ۲۳ . همان / ۴۰ . | ۷ . ویژگی های امام صادق (ع) «اردستانی» / ۸۶-۸۷ . |
| ۲۴ . الخصال «صدوق» ، ۲/ ۳۲۴ . | ۸ . منتهی الامال / ۷۷۸-۷۷۹ . |
| ۲۵ . علل الشرایع ، ۱/ ۶۳۱ . | ۹ . الکافی ، ۵/ ۷۶ . |
| ۲۶ . الامالی «صدوق» / ۱۶۹ . | ۱۰ . ویژگی های امام صادق (ع) «فدوی» / ۱۵۳ . |
| ۲۷ . بحارالأنوار ، ۴۷/ ۳۷ . | ۱۱ . مفردات ألفاظ قرآن / ۲۷۴ . |
| ۲۸ . همان ، ۷۹/ ۲۳۶ . | ۱۲ . سیره معصومان «ترجمه : حجّتی کرمانی» ، ۶/ ۶۴ . |
| ۲۹ . مستدرک الوسائل ، ۱۲/ ۲۹ . | ۱۳ . سیره پیشوایان / ۳۵۰ . |
| ۳۰ . همان / ۳۱۰ . | ۱۴ . الإرشاد «ترجمه : رسولی محلاتی» ، ۲۵/ ۱۷۲ . |
| ۳۱ . وسائل الشیعة ، ۱۵/ ۵۴ . | ۱۵ . إعلام الوری / ۳۸۹ . |
| ۳۲ . همان ، ۱۷/ ۱۸۶ . | ۱۶ . امام صادق و مذاهب چهارگانه «ترجمه : یوسفی اشکوری» / ۹۸ . |
| ۳۳ . سیره پیشوایان / ۳۵۵ . | |